

روابط فرهنگی ایران و ژاپن در دوره پهلوی

محمد چگینی^۱

چکیده

از سابقه روابط فرهنگی ایران و ژاپن در ادوار پیشین تا قرن نوزدهم، اطلاعات اندکی در دست است. پس از انقلاب میجی، توجه به کشورهای مشرق زمین از جمله ایران اهمیت یافت. در قرن بیستم به تدریج روابط فرهنگی نیز هم پایه روابط سیاسی توسعه یافت: اعزام دانشجویان، ایران‌شناسی، باستان‌شناسی و تأسیس نهادهایی مانند انجمن ادبی و کمیته تمدن ایران و ژاپن از مهم‌ترین نشانه‌های گسترش روابط فرهنگی است. در این مقاله، مناسبات فرهنگی دو کشور در دوره پهلوی بر اساس اسناد آرشیو وزارت امور خارجه بررسی خواهد شد.

• واژگان کلیدی

ایران، ژاپن، روابط فرهنگی

مقدمه

بنا بر برخی اسناد و مدارک، ایران و ژاپن به عنوان دو تمدن قدیمی در غرب و شرق آسیا، در گذشته‌های دور به صورت غیرمستقیم و گاه مستقیم با یکدیگر ارتباط و مراوده داشته‌اند. وجود برخی آثار هنر و تمدن ایران در موزه‌های ژاپن، برخی از پژوهشگران را به جست و جوی سبب راه یافتن این آثار به ژاپن برانگیخت. در قرن نوزدهم که ژاپن قدرتی برتر در آسیا بود، ایران به عنوان یکی از کانون‌های تمدنی و فرهنگی، توجه حکومت و بعدها محافل دانشگاهی ژاپن را جلب کرد. بر پایه اسناد موجود، در دوره رضاشاه، مؤسسات فرهنگی با هدف توسعه مناسبات تجاری ایجاد شد. این اقدامات با معرفی فرهنگ و تمدن ایرانی همراه بود و به تدریج سمت و سوی ایران‌شناسی یافت. در فاصله دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۳۰ ایران‌شناسی در ژاپن به عنوان رشته‌ای دانشگاهی ایجاد شد و با آنکه نسبت به ایران‌شناسی در غرب نوپا بود، اما به زودی سطح آن به سطح غرب رسید. تاکنون مقالاتی در باره روابط فرهنگی ایران و ژاپن منتشر شده است، اما در این مقاله با تکیه بر اسناد موجود در وزارت امور خارجه، برخی از جنبه‌های دیگر از روابط به ویژه سابقه نهادهایی مانند "انجمن ادبی"، "مؤسسه تمدن ایران و ژاپن" و "کمیته دوستداران ایران" بررسی خواهد شد.

نمادها و پیشینه ارتباطات فرهنگی

برخی از پژوهشگران بر این نظر هستند که ایرانیان در دوره "یاماتو" و "آسوکا" (۷۱۰ تا ۳۵۰ م.) به ژاپن راه یافته‌اند، اما این نظر، از حدس و گمان

فراتر نمی‌رود. در قرون گذشته، "جاده ابریشم" بندر صور در غرب آسیا و ساحل دریای مدیترانه را به چانگان در شرق آسیا متصل می‌کرد و این جاده، عامل مهمی در تبادلات فرهنگی بود. چین نقش برجسته‌ای در انتقال فرهنگ ایران به مشرق داشت. در دوره سلطه اشکانیان بر بخش‌های مهمی از جاده ابریشم، تمدن ایرانی به شرق آسیا نیز گسترش یافت. پیش از آن هم، در دوره هخامنشی شماری از نشانه‌های مختص غرب آسیا به چین رسیده بود (ایموتو، ۱۳۸۸: ۳۷). تجار و مبلغان مذهبی بودایی از دیگر حاملان فرهنگ ایرانی به چین و از آنجا به ژاپن بودند (مشکور، ۱۳۵۴: ۴۷۴).

به نظر برخی از محققان، آثار فرهنگ و تمدن ایرانی در اواخر امپراتوری ساسانیان (۶۵۱-۲۲۶م.) با عبور از چین در دوره سوئی^۱ و تانگ^۲ به دربار آسوکا در ژاپن رسید. علاوه بر چینی‌ها، بخشی از این تبادلات تمدنی و فرهنگی از طریق ایرانیان مهاجر صورت می‌گرفت (ایموتو، ۱۳۸۸: ۳۱). بنا بر شواهد، در سال ۷۳۶م. یک ایرانی به نام رامیار به دربار امپراتور ژاپن راه یافت و طبق سالنامه‌های ژاپن یک ایرانی از راه هسی-ان-نو پایتخت چین قدیم به مجمع‌الجزایر ژاپن رفت. در این سالنامه، ذیل سال ۷۳۶م. آمده است: در ماه هفتم، امپراتور به سفیر ژاپن که از چین باز می‌گشت، بار داد و سه نفر چینی و یک ایرانی، سفیر را در این ملاقات همراهی می‌کردند. نام این ایرانی را لی-می-ایی^۳ نوشته‌اند که سبب آن روشن نیست، اما تأکید شده که وی پزشک بوده است (نیر نوری، ۱۳۴۸: ۵۸۱).

1. Sui
2. Tang
3. Li-mi-i

کوریانگی، ۱۳۷۷: ۲۸؛ امیری، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳). بنا بر خاطرات آکیو کازاما، در دوره باستان دو شاهزاده ایرانی در جنگ از چنگ دشمن به سمت شرق دور گریختند «پس کسانی گمان داده‌اند که [با آمدن آنان] خون ایرانی در رگ‌های ژاپنی آمده است» (کازاما، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

شماری دیگر از پژوهشگران بر این نظرند که سابقه مرادوات فرهنگی به سال ۱۲۱۷م. بازمی‌گردد: در این سال دو تاجر ایرانی، سروده‌ای از فردوسی^۱ را برای کیوسی^۲ راهب ژاپنی، در چین نوشته‌اند و این نوشته اکنون در موزه ملی کیوتو نگهداری می‌شود (رزمجو، ۱۳۷۱: ۲۸؛ توکوها، ۱۳۸۴: ۱۵). به نظر هیرایاما پژوهشگر جاده ابریشم، نخسیتن مرواده را باید در تاریخ پارچه‌های قدیمی جست و جو کرد که سرداران ژاپنی به تن می‌کردند و نشانه‌های خاص پارچه ایرانی دارد و سابقه آن به ایران باستان یعنی اشکانی و ساسانی باز می‌گردد (امیری: ۹۰).

آغاز مرادوات رسمی فرهنگی

در آغاز سلطنت رضا شاه پهلوی مناسبات سیاسی ایران و ژاپن در حال شکل‌گیری بود و علاوه بر مذاکرات فشرده در سفارتخانه‌های دو کشور در اروپا، هیئت‌هایی نیز برای رصد چشم‌انداز روابط سیاسی به ایران اعزام شدند. از همان زمان برخی اقدامات فرهنگی نیز اندک اندک شکل می‌گرفت. نخست روزنامه‌نگاران قدم به ایران گذاشتند: کات سوجی فز به عنوان نماینده مطبوعات

۱. جهان یادگار است و ما رفتنی/ ز مردم نماند جز از گفتنی

2. Kyosei

ژاپن در ۳ خرداد ۱۳۰۴ به تهران آمد (ایران، ش ۱۸۲۸: ۳). او وظیفه داشت هنگام اقامت در ایران، در باره اوضاع و احوال ایران برای درج در نشریات ژاپنی گزارش تهیه کند. از دیگر اقدامات، اعزام دانشجویی به نام کیزو هوراتا را برای فرا گرفتن زبان فارسی بود.^۱

با تأسیس سفارت مقیم، برقراری روابط فرهنگی اهمیت بیشتری یافت. در سال ۱۳۱۱ ش. حسنعلی کمال هدایت وزیرمختار ایران در توکیو طی گزارش مبسوطی راه‌های توسعه روابط دو جانبه را تشریح نمود و در موضوع روابط فرهنگی پیشنهاد کرد که برای نزدیکی دو کشور، نخست مبادله محصل و دانشجو صورت گیرد. به نظر او، ایرانی‌ها می‌باید برخی از علوم را از ژاپنی‌ها که در آن پیشرفت چشمگیری کرده بود، فرا گیرند و چند محصل، برای یادگیری فنون مختلف از جمله ابریشم کشی و شیلات به ژاپن بفرستند.^۲

انجمن ادبی ایران و ژاپن

در سال ۱۳۱۷ ش. مقارن با ازدواج محمدرضا پهلوی و فوزیه، هیئتی عالی‌رتبه با هواپیمایی اختصاصی از سوی دولت ژاپن در این مراسم شرکت کرد. شرکت این هیأت علاوه بر اینکه نشانه‌ای از مناسبات دوستانه محسوب می‌شد، نتیجه‌ای فرهنگی نیز در بر داشت: سابورا نگابوچی مدیر بنگاه هواپیمایی ژاپن و

۱. مکاتبه هیأت نمایندگی ژاپن در تهران با وزارت امور خارجه، آرشیو اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۰۵-۶۸-۱-۱و۲.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۲۰-۲۵/۱۶-۱۱-۱۳۱۱.

تاکایوا کوبا رئیس اداره امور بین‌المللی وزارت راه ژاپن از اعضای این هیئت، از نزدیک با شرایط تمدنی و فرهنگی ایران آشنا شدند. آنها پس از بازگشت با معاون اداره ادبیات و پرورش وزارت امور خارجه به نام مینوا و چند روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه و آکیو کاژما نخستین وزیر مختار ژاپن در ایران که به فرهنگ و ادب ایران علاقه‌مند شده بود، تصمیم گرفتند "انجمن ادبی ایران و ژاپن" را تأسیس کنند.^۱

نخستین جلسه این انجمن ادبی در اسفند ۱۳۱۸/ فوریه ۱۹۴۰ با شرکت افراد مذکور و با حضور شماری از سرشناسان ژاپنی برگزار شد: هیکوتا رویچی گوا، رئیس شعبه دوم ادبیات وزارت خارجه، تماهیدی اناتوی استاد دانشکده دختران توکیو، هیچرو واتنا استاد دانشکده اعیان، شین وا دا معاون کل بنگاه صنایع مستظرفه، یوا یروشی اگیشی مدیر مجمع ادبیات جوانان، اسمو آگوچی رئیس بنگاه کارهای شرق نزدیک در شمار آن فراد بودند. در این جلسه، که مدیریت آن با کاژاما بود، هدف از تشکیل انجمن بیان گردید و اساسنامه تدوین شد. هدف اولیه مؤسسان، پیگیری راهکارهای جدید برای توسعه مناسبات فرهنگی بود. از نظر آنها افزایش مراودات فرهنگی به شناخت بیشتر توانایی‌های دو ملت از یکدیگر منجر می‌شد. این طریق در مناسبات تجاری هم مؤثر می‌افتاد و به نوعی ترویج و افزایش مراودات تجاری دو کشور را در پی می‌آورد.^۲ از نظر بانیان؛ روابط دو کشور مخصوصاً در رشته ادبیات و اقتصادی به یکدیگر نزدیک می‌شوند، وضعیت دنیای کنونی چنین نزدیکی را لازم دارد.

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو به وزارت امور خارجه، ۱-۲۱-۱۳۱۹ ش.

۲. همان.

در مرامنامه انجمن بر مبادله ادبیات، دوستی میان دو کشور، موافقتنامه‌های بین‌المللی و مشارکت در کارها برای ترقی دو کشور تأکید شد. انجمن جلسات سالانه داشت و با سفارت ایران به خوبی تعامل می‌کرد. به گزارش وزیر مختار ایران، انجمن سالی یکبار تشکیل جلسه می‌داد و البته کار خاصی جز معرفی کشورها از آنها ساخته نبود. بنا بر همین گزارش، تشکیل این انجمن برای شناسایی ادبیات ایران برای مردم ژاپن و خاور دور سودمند بود. با توجه به این شرایط، وزارت دربار در تلگراف شماره ۱۹۰ (۲۸ فروردین ۱۳۱۹) با تشکیل انجمن موافقت کرد. «بعرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید مقرر فرمودند با توضیحاتی که سفارت ایران داده در باب تشکیل انجمن ادبی ایران و ژاپن اشکالی به نظر نمی‌رسد قدغن فرمائید پاسخ مثبت بدهند».

پس از موافقت ایران، انجمن در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۹ در مراسمی در هتل امپریال به صورت رسمی افتتاح شد و اعضاء، هوسوکرا از نظامیان متنفذ و برجسته ژاپنی را به ریاست آن برگزیدند. برنامه‌ها و اهداف انجمن به صورت کلی عبارت بودند از: پیشرفت و ترقی دوستی میان اهالی ژاپن و ایران؛ شناساندن وضعیت فعلی ژاپن در ایران به وسیله سینما، نشریات و غیره؛ شناساندن ادبیات مشترکه در ژاپن و ایران؛ تشکیل مدرسه برای تدریس زبان فارسی؛ تهیه و چاپ لغت‌نامه فارسی-ژاپنی؛ تهیه نشریات برای تحصیل زبان فارسی و ژاپنی؛ دعوت اشخاص فاضل و دانشمند و روزنامه‌نویس ایرانی به ژاپن؛ دعوت دانشجویان و متخصصین ژاپنی به ایران؛ فرستادن دانشجویان و متخصصین ژاپنی به ایران.^۱ بنا بر اسناد

۱. همان.

موجود، مرام مجمع تشویق و ترقی دوستی دو کشور بود و افراد عضو آن را پیگیری می‌کردند. مطابق بند ۴ ماده یک اساسنامه، عضویت دیگران با معرفی دو نفر از اعضای اصلی صورت می‌گرفت. انجمن رئیس افتخاری داشت که بنا بر مرامنامه، وزیرمختار ایران بود، اما همهٔ امور در اختیار رئیس بود که در مجمع عمومی انتخاب می‌شد. دو نایب رئیس، ناظر، رایزن و مدیر را رئیس انتخاب می‌کرد. ابوالقاسم نجم وزیرمختار ایران نخستین رئیس افتخاری، سرهنگ هوسوکرا نخستین رئیس و کازاما وزیرمختار سابق ژاپن در ایران اولین مدیر انجمن بودند؛ البته وظایف رئیس یا مدیر به درستی مشخص نشده است. انجمن نشست سالیانه داشت و در مواقع اضطراری نیز جلسات فوق‌العاده تشکیل می‌داد. این انجمن با وقوع جنگ جهانی به محاق فراموشی فرو رفت و سال‌ها طول کشید تا به برخی از اهداف خود دست یابد.

مؤسسهٔ تمدن ایران و ژاپن

از دیگر اقدامات فرهنگی در روابط ایران و ژاپن، در دورهٔ رضا شاه، تشکیل "مؤسسهٔ تمدن ایران و ژاپن" بود. اما در بارهٔ آن اطلاع چندانی در دست نیست، جز چند سند با موضوع اقدام سفارت ژاپن در تهران برای تشکیل این مؤسسه و اساسنامهٔ آن. در خرداد ماه ۱۳۱۹ سفارت ژاپن با ارسال نامه‌ای به وزارت خارجهٔ ایران، تأسیس این مؤسسه را پیگیری کرد.^۱ وزارت امور خارجهٔ ژاپن قبلاً اساسنامه را تأیید کرده بود. این مؤسسه، دو بُعد تجاری و فرهنگی را به عنوان اهداف خود در نظر گرفت و در اساسنامه نیز بر آن تأکید کرد. اساسنامهٔ مؤسسه، هشت فصل و

۱. همان، مکاتبهٔ سفارت ژاپن در تهران با وزارت خارجه ایران.

بیست و یک ماده داشت. انتشار نشریه و مجله و استفاده از رسانه‌ها مهم‌ترین ابزارهایی بودند که مؤسسه برای پیشبرد اهداف خود از آنها بهره می‌برد.^۱

موافقتنامه فرهنگی ایران و ژاپن

در پی توسعه مبادلات تجاری و سیاسی دو کشور، روابط فرهنگی هم گسترده‌تر می‌شد. از سوی دیگر با توجه به شواهد، دو کشور از حیث فرهنگی به طور مستقیم یا غیرمستقیم با هم مرابده داشته‌اند. بنابراین ضروری بود به مرادوات رو به توسعه سامان داده شود و در چارچوب قرارداد یا موافقتنامه‌ای، همکاری‌ها تنظیم گردد. وظیفه دو دولت، تدارک زمینه‌های همکاری و مبادلات فرهنگی دو کشور در سطح مناسب بود. عوامل بسیاری در مرادوات فرهنگی نقش داشتند؛ از آن جمله دانشگاه‌ها که همکاری میان آنها در قالب کمک‌های فنی و علمی قابل بررسی است. برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی^۲ در دو کشور با استقبال رو به رو می‌شد. پرنس میکاسا برادر امپراتور از علاقه‌مندان هنر ایرانی بود و نقش مهمی در برگزاری نمایشگاه‌های هنری داشت.^۳ برگزاری سفر تیم‌های ورزشی^۴ به تهران و توکیو نیز بنا بر گزارش‌های سفارت ایران قابل توجه بود؛ مثلاً در باره ورزش جودو، سفارت اقداماتی برای معرفی آن به جوانان ایرانی صورت داد.^۵ هدف برخی مؤسسات ژاپنی، ایجاد ارتباط میان جوانان ژاپنی با جوانان دیگر کشورها بود.

۱. همان، مقررات مؤسسه تمدن ایران و ژاپن.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو، ۱۶-۷۷-۴-۲۰/۱۳۳۴ش.

۳. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۲۲-۷۷-۴-۲۰/۱۳۳۴ش؛ ۱۳-۷۴-۴-۲۰/۱۳۳۵ش.

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۳-۷۴-۴-۲۰/۱۳۳۵ش.

۵. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۳۷ و ۲۸-۷۴-۴-۲۰/۱۳۳۵ش.

مؤسسه Kodama Perss تقاضا داشت که بتواند رابط جوانان دو کشور باشد.^۱ بنا بر ارزیابی سفارت ایران، در مجموع و با توجه به علاقه دو کشور برای همکاری فرهنگی، زمینه برای عقد قراردادی در این زمینه فراهم شده است.^۲

سفیر ایران قراردادهای فرهنگی ژاپن با چند کشور را بررسی کرد؛ از نظر نوری اسفندیاری، قرارداد با برزیل بسیار کلی و فرانسه بسیار جزئی بود و به هر حال، هر دو قرارداد، نیازهای فرهنگی را برآورده نمی‌کرد. بنابراین پیشنهاد شد که تلفیقی از دو قرارداد تهیه شود یا اساساً تهران طرح‌های جدیدی به مقامات ژاپنی ارائه دهد (آرشیو وزارت امور خارجه، ۶-۵۷-۱۱/۲-۱۳۳۵). در تهران کمیسیونی متشکل از اداره حقوقی وزارت امور خارجه و اداره کل تعلیمات عالی وزارت فرهنگ تشکیل شد تا در جلسات مشترک پیش‌نویس بررسی و تهیه شود. سرانجام ایران طرح جدیدی ارائه داد که نمونه‌ای از قرارداد فرهنگی ایران و یونان با اندکی تغییرات بود. اما طرف ژاپنی در ماده سوم قرارداد پیشنهادی ایران، ملاحظه‌ای داشت. در این ماده طرفین متعهد می‌شدند تا زمینه تحصیل زبان و آموزش تاریخ و فرهنگ را در دانشگاه‌ها فراهم آورند. سفارت ایران قرارداد آن کشور با ایتالیا را مطالعه و بررسی کرد و به اداره حقوقی پیشنهاد داد ماده ۳ از قرارداد ایتالیا اخذ شود که طرف ژاپنی نیز با آن موافقت داشت.^۳

پس از مذاکرات اولیه و تأیید پیش‌نویس، وزیر امور خارجه در جلسه ۱۸ فروردین ۱۳۳۶ نسخه نهایی را به تصویب هیأت دولت رساند. وزیر امور خارجه،

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۸۴-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ ش.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با اداره عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه، ۲-۱۸-۹-۱۳۳۵.

۳. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۲۳-۵۷-۱۱/۲-۱۳۳۵ ش.

حسین قدس نخعی سفیرکبیر را به عنوان نماینده ایران برای امضای موافقتنامه به طرف ژاپنی معرفی کرد.^۱ پس از آن، در ۲۷ فروردین ۱۳۳۶ موافقتنامه دو کشور در توکیو امضاء شد. در زمان امضای این موافقتنامه، نوبوسک کیشی کفیل وزارت امور خارجه در سخنانی خوشوقتی خود را از این اقدام اعلام کرد. به نظر او، عقد قرارداد گامی مهم برای نزدیکی دو ملت ژاپن و ایران بود. قدس نخعی سفیر کبیر ایران که خود از چهره‌های سرشناس فرهنگی بود، در سخنان کوتاهی به تمجید از فرهنگ و تمدن قدیمی دو کشور پرداخت و اظهار داشت که ایران و ژاپن از دیرباز با هم مراوده داشته‌اند: «وجه مشترک و موجبات نزدیکی بیشتر دیگر نیز بین دو ملت موجود هست و به همین جهت ضرورت داشت که به منظور تشیید و توسعه روابط حسنه موجود فیما بین و تحکیم مبانی صلح از راه حسن تفاهم موافقتنامه فرهنگی بین دو کشور منعقد گردد».^۲ پس از امضای موافقتنامه، وزارت امور خارجه آن را به صورت قانون به مجلس شورای ملی ارائه کرد و مجلس در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ با اکثریت آراء به تصویب رساند. این موافقتنامه در ۱۵ مه ۱۹۵۷ نیز به تصویب مجلس ژاپن رسید.^۳

مراودات دانشگاهی

۱. همان، مکاتبه وزارت امور خارجه با سفارت ایران در توکیو، ۲۱-۶۵-۱۱/۳-۱۳۳۶ ش.
۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۱-۸-۶۵-۱۱/۳-۱۳۳۶ ش.
۳. همان، مکاتبه وزارت امور خارجه با سفارت ایران در توکیو، ۶۲-۵۷-۱۱/۲-۱۳۳۵ ش؛ موافقتنامه فرهنگی ایران و ژاپن، مخزن معاهدات، ۳۴-۳۲-۶۵-۱۱/۳-۱۳۳۶ ش.

در اواخر دوره رضا شاه، شماری دانشجویان از ژاپن برای تحصیل به ایران آمدند تا در دانشگاه و آموزشگاه‌های ایران زبان فارسی فرا گیرند. در اسناد آرشیو وزارت امور خارجه اطلاعاتی از این دانشجویان به دست نیامد. بعید نیست که با وقوع جنگ، آنها ناچار ایران را ترک کرده باشند. وضعیت نابسامان پس از جنگ و قطع مناسبات را می‌توان سبب بی‌خبری در این زمینه محسوب کرد. در سال ۱۳۳۴ش. در ملاقات وزیر فرهنگ ژاپن با سفیر کبیر ایران، بحث دانشجویان اعزامی پیش از جنگ مطرح شد و او از اعزام دانشجویان ابراز خرسندی کرد. با توجه به توسعه مناسبات، دو طرف ضمن تأکید بر تمرکز بیشتر بر روابط فرهنگی، از اعزام دانشجویان به مراکز دانشگاهی یکدیگر استقبال کردند.^۱ اظهارات وزیر فرهنگ نشان می‌داد که دانشجویان یا دست کم شماری از آنها، در نظام اداری پس از جنگ مشغول کار بوده‌اند؛ زیرا احتمالاً فراگیری زبان فارسی در امور تجاری برای آنها کاربرد یافته بود. پس از این ملاقات و ابراز تمایل دو طرف برای گسترش مناسبات فرهنگی از اواسط دهه ۱۳۳۰ش. / ۱۹۵۰م. حضور دانشجویان هر دو کشور در مراکز دانشگاهی پررنگ‌تر شد. چندان که وزیر فرهنگ ژاپن از نوری اسفندیاری خواست تا دانشگاه تهران و تبریز، شماری از دانشجویان ژاپنی را بورس کنند.^۲

جوانان و دانشجویان، نقش چشمگیری در معرفی فرهنگ دو کشور به یکدیگر داشتند. حضور دانشجویان ایرانی در ژاپن و بالعکس ژاپنی‌هایی که برای فرا گرفتن زبان فارسی به ایران آمده بودند، می‌توانست به تحکیم مناسبات یاری

۱. همان، مکاتبه وزارت فرهنگ با دانشگاه تهران و تبریز، ۸۰-۱۰/۱-۲۶-۱۳۳۴ش.

۲. همان.

رساند. سفارت ایران نیز بر فراگیری زبان ژاپنی در ایران تأکید داشت و آن را گامی مؤثر در پیشبرد منافع فرهنگی و اقتصادی می‌دانست و پیشنهاد کرد چند دانشجو با مساعدت "مدیر عامل خانه بین‌المللی ژاپن"، که از دانشجویان خارجی حمایت مالی می‌کرد، به توکیو اعزام شوند.^۱ خانه بین‌المللی ژاپن برای معلمان نیز دوره‌های آموزشی برگزار می‌کرد و نقش مهمی در همکاری‌های آموزشی ژاپن و دیگر کشورها داشت. تا این زمان هیچ معلم ایرانی برای گذراندن این دوره به توکیو اعزام نشده بود و به همین سبب، مدیر عامل خانه از سفارت ایران خواست تا در این راه یاری رساند و معلمان ایرانی را معرفی کند.^۲ اعزام متخصصان دو کشور برای طی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت ادامه یافت و در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. شمار چشمگیری از معلمان و کارشناسان نهادهای گوناگون از سوی دولت ایران برای آموزش دوره‌ها اعزام شدند.^۳

ژاپنی‌ها نیز فراگیری زبان فارسی را تشویق می‌کردند و علاوه بر پیگیری اهداف فرهنگی از کسانی که فارسی فرا گرفته بودند، در شرکت‌های بزرگی مانند ایده میتسو و بخش‌های گوناگون وزارت امور خارجه از جمله دایره ایران، سفارت آن کشور در تهران و کابل بهره می‌بردند.^۴ در سال ۱۳۳۶ ش. دانشگاه تهران با پیشنهاد سفارت ایران برای مبادله دانشجویان و بورس دانشجویان معرفی شده از سوی دولت ژاپن موافقت کرد.^۵ معاون وزیر امور خارجه ژاپن در دیدار سفیر کبیر ایران از این اقدام ابراز خرسندی کرد و آن را

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۵-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۰-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۶ ش.

۳. همان، مکاتبه وزارت امور خارجه با سفارت ایرن در توکیو، ۸۰ و ۴۸-۱۶-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ ش.

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۸-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۵. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۱-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

گام مهمی برای توسعه مناسبات فرهنگی دو کشور دانست: «معاون وزارت امور خارجه ژاپن از این اقدام که در بسط روابط فرهنگی دو کشور تأثیر نکویی خواهد داشت اظهار خرسندی نمود»^۱. سفارت ژاپن نیز در یادداشت ۲۹ اوت ۱۹۵۶ اعلام کرد که دولت ژاپن نیز یک بورس برای دانشجویان ایرانی در نظر گرفته است و خواستار معرفی هر چه زودتر دانشجوی واجد شرایط شد.^۲ مهدی بهادری نژاد دانشجوی رشته الکترومکانیک و مهین سیاح سپانلو دانشجوی رشته زبان انگلیسی تنها دانشجویانی بودند که برای بورس ژاپن اعلام آمادگی کردند. هزینه زندگی در ژاپن بالا بود و بنابراین، از این بورس چندان استقبال نشد.^۳ پیش از این نیز، ساسان جوان تنها دانشجوی ایرانی در ژاپن به سبب نارضایتی از هزینه زندگی، از مسئولان سفارت مساعدت و تخصیص ارز خواسته بود. از دانشجویان ژاپنی، کان کاگایا^۴ به صورت شخصی به سفارت ایران رفت و تقاضای بورس کرد و سفارت اطلاعات او را برای بررسی به تهران فرستاد.^۵ دولت ژاپن دانشجوی دیگری به نام ایموتو را معرفی کرد. دانشگاه تهران ضمن پذیرش هر دو نفر، هزینه ایاب و ذهاب و تحصیل آن دو را نیز پذیرفت و این اقدام را گام مناسبی برای همکاری فرهنگی دو کشور خواند.^۶ در سال ۱۳۳۹ ش. ژاپن چهار بورس به دانشجویان ایرانی در رشته تربیت بدنی اهداء کرد.^۷

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۸-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۲. یادداشت سفارت ژاپن در تهران به وزارت امور خارجه ایران، همان مرکز، ۳۷-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۳. همان، مکاتبه وزارت امور خارجه با سفارت ایران در توکیو، ۸۸-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

4. KanKagaya

۵. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۹۰-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۶. همان، مکاتبه دانشگاه تهران با سفارت ایران در توکیو، ۹۴-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ ش.

۷. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۴-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ ش.

در تابستان ۱۳۳۵ش. سفارت ایران در توکیو به دانشگاه تهران اعلام کرد که هیأتی از دانشجویان "انجمن علمی خاورمیانه" وابسته به دانشگاه کیوتو قصد دارند برای تحقیقات میدانی به ایران مسافرت کنند.^۱ سفارت ژاپن در یادداشتی به وزارت امور خارجه اطلاع داد که این هیأت متشکل از سه دانشجو و یک پروفیسور از دانشگاه کیوتو روز ۲۰ ژوئیه وارد خرمشهر شدند. مسیر آنها بوشهر، بندرعباس، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان، کاشان و قم بود. این هیأت قصد داشت که در این زمینه‌ها تحقیق و بررسی کند: "تکنیک باستانی ایران در زمینه نساجی؛ تغییر و تحول در گیاهان در مناطق گرم و خشک؛ خصوصیات مناطق خشک از نظر نقشه‌برداری (به ویژه قنات)؛ راه‌های قدیمی ارتباطات و حمل و نقل شرق به غرب؛ مبادله دوستی با دانشجویان ایرانی و مطالعه تکنیک‌های جدید صنعتی در ایران"^۲. در تیرماه ۱۳۳۵ سفارت ایران در توکیو اعلام کرد که هیأتی ۱۲ نفره، شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه توکیو در رشته‌های باستان‌شناسی، هنرهای زیبا، دین‌شناسی، موزه و انسان‌شناسی در شهریور ماه به ایران مسافرت خواهند کرد.^۳ بازدیدها دو طرفه بود و برخی از محققان ایرانی نیز به ژاپن سفر و در مراسم گوناگون، در باره تاریخ و فرهنگ ایران سخنرانی می‌کردند: دکتر عباس فاروقی استاد دانشسرای عالی چند بار در دانشگاه‌های توکیو و کیوتو سخنرانی کرد و علاقه‌مندان ژاپنی از آن استقبال کردند. یکی از جلسات این سخنرانی را پرنس میکادو ترتیب داد که به فرهنگ و تاریخ ایران علاقه داشت.^۴ در

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با دانشگاه تهران، ۲۳-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ش.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با دانشگاه تهران، ۳۱ و ۳۰-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ش.

۳. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۵۴-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ش.

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۱۱-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۵ش.

سال ۱۳۳۹ش. پروفیسور ایزوکا رئیس مؤسسه فرهنگ شرق دانشگاه توکیو نیز در سفر به ایران، در دانشگاه تهران در باره ارزش تمدن اسلامی در جهان سخنرانی کرد. در همین سال، سهراب سپهری شاعر و نقاش پرآوازه ایرانی به ژاپن رفت و تأثیر این سفر در نقاشی و شعر او پیداست (عابدی، ۱۳۹۲: ۱۹). همچنین دکتر سید حسین نصر در سال ۱۳۴۹ش. به دعوت سازمان نمایشگاه جهانی اوساکا به ژاپن رفت و در باره علوم و تمدن بشری چند سخنرانی کرد (گزارش‌های سالیانه وزارت امور خارجه، ۱۳۴۹: ۱۳۲). از اینگونه برنامه‌ها همواره در هر دو کشور برقرار بود و ذکر همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

شرایط اقلیمی و زمین‌شناسی را نیز باید در گسترش همکاری‌ها در نظر گرفت، زیرا ژاپن منطقه‌ای زلزله‌خیز است و به همین سبب در طول تاریخ راه‌های مقابله و همزیستی با این پدیده را فرا گرفته است. در سال ۱۳۳۵ش. سفارت ژاپن در مکاتبه‌های اعلام کرد که مرکز مطالعات زلزله‌شناسی ژاپن برای مطالعات مربوط به زلزله چند متخصص به دانشگاه تهران معرفی کند. دانشگاه تهران نیز با استقبال از این پیشنهاد اعلام کرد که همه امکانات را برای آنها فراهم خواهد آورد، از جمله شرایط بازدید از جاهایی که می‌باید برای تحقیق و بررسی از نزدیک ببینند.^۱ در زمینه علوم اتمی هم همکاری‌های علمی در جریان بود و با توجه به درخواست دولت ژاپن برای آموزش متخصصان ایرانی، دانشگاه تهران دکتر علی اصغر آزاد را برای گذراندن دوره آموزشی معرفی کرد.^۲

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با دانشگاه تهران، ۴۷-۷۴-۲۰/۴-۱۳۳۶ش.

۲. همان، مکاتبه دانشگاه تهران با سفارت ایران در توکیو، ۱۵۱-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹.

همکاری‌های دانشگاهی دو کشور در بخش کشاورزی، نتایج قابل توجهی به همراه داشت. در سال ۱۳۳۸ش. مهندس حبیب نفیسی معاون فنی وزارت فرهنگ، در جریان سفر به توکیو، با مقامات ژاپنی برای همکاری در امور کشاورزی مذاکره کرد. در نتیجه این مذاکرات، دو نفر متخصص کشاورزی صنعتی به نام پروفیسور اوسویی و کاساکاتو موری تومو برای بررسی امور کشاورزی به مقام ایرانی معرفی و در مرکز کشاورزی ساری مشغول کار شدند.^۱ از دیگر اقدامات و همکاری‌های صورت گرفته، ایجاد مراکز فنی و حرفه‌ای بود. ایران نخستین کشور خاورمیانه بود که ژاپنی‌ها در آن مدارس فنی و حرفه‌ای تأسیس کردند. طرف ژاپنی برای آن، هفت نفر متخصص و دویست هزار دلار بودجه پیش‌بینی کرد.^۲

کمیته دوستداران ایران

در فروردین ۱۳۳۹ ش. دکتر جواد صدر سفیرکبیر ایران، ضیافت شامی ترتیب داد و از چند تن از محققان و ایران‌شناسان ژاپنی نیز دعوت کرد. پروفیسور میزونو^۳ که به ایران رفته و از فعالان حوزه تاریخ و فرهنگ ایران بود، به نمایندگی از دیگر میهمانان از سفیرکبیر خواست تا برای تشکیل کمیته دوستداران ایران یاری رساند. صدر ضمن استقبال از این پیشنهاد، برای همکاری اعلام آمادگی کرد.^۴ وزارت فرهنگ با استقبال از این پیشنهاد، تشکیل انجمن ایران و ژاپن را گامی بلند برای

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۳۷-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ش؛ اطلاعات، ۱ مرداد ۱۳۳۵.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۴۵-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ش.

3. S. Mozuno

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۲-۷/۱۶-۹۲-۱۳۳۹ش.

شناساندن ایران به ملت فرهنگ دوست ژاپن دانست: "وزارت فرهنگ از چنین امری استقبال می‌کند و امیدوار است که تشکیل کمیته دوستداران ایران ملت ژاپن را با فرهنگ و هنر درخشان ملت ایران آشنا سازد."^۱ با این همه، در اسناد آرشیو وزارت امور خارجه، سابقه‌ای از سرنوشت این کمیته به دست نیامد.

ایران‌شناسی در ژاپن

ایران‌شناسی و توجه به پیشینه فرهنگ ایران، از قرن پانزدهم میلادی با ورود سیاحان و جهانگردان اروپایی به مشرق زمین و به ویژه ایران، به تدریج به یک حوزه فعال مطالعاتی در دانشگاه‌ها تبدیل شد. اگر چه ژاپنی‌ها در مقایسه با کشورهای اروپایی، بسیار دیرتر به حوزه ایران‌شناسی وارد شدند، اما با علاقه و کوششی که از خود نشان دادند، کارنامه کمابیش موفقی از خود به یادگار گذاشته‌اند. در جریان اعزام هیأت‌ها و سیاحان، ژاپنی‌ها نیز در پی شناخت بهتر ایران بودند؛ به ویژه بدین سبب که ایران در مسیر جاده ابریشم قرار دارد.

چین‌شناسی موجب شد تا محققان نسبت به رد پای فرهنگی ایران در مشرق نیز آگاهی یابند. آثار کهن و باستانی از فرهنگ و تمدن ایرانی در موزه‌های سلطنتی و اشرافی ژاپن، توجه دانشمندان ژاپنی را به تاریخ و فرهنگ ایران برمی‌انگیخت. علاوه بر این، منافع ملی ژاپن ایجاب می‌کرد که در باب جهان اسلام، به ویژه مسلمانان همسایه چین و روسیه شناخت بهتری داشته باشد. از این رو،

۱. همان، مکاتبه وزارت فرهنگ با سفارت ایران در توکیو، ۲۳-۱۶/۷-۹۲-۱۳۳۹ ش.

مؤسسه شرق آسیا، مؤسسه مطالعات اسلامی، جمعیت ژاپن و آسیا تأسیس شد (Nakanishi, 1987:131؛ متی و کدی، ایران‌شناسی، ۱۳۷۱: ۱۸۰).

در سال ۱۳۱۰ ش. / ۱۹۳۱ م، پروفسور ساساکی^۱، نخستین دانشمندی بود که مطالعات در باره ایران را در ژاپن آغاز کرد. او سخنرانی‌هایی در موضوع ایران، هند، زبان‌های ایرانی میانه، چین و ژاپن در دانشگاه توکیو ایراد کرد. شاگرد وی، پروفسور آشی کاگا به مطالعات ایران‌شناسی در ژاپن سر و سامان داد و در سال ۱۹۵۷ م. ریاست انجمن مطالعات غرب آسیا را بر عهده گرفت (ایموتونه و رجب زاده، ۱۳۷۴: ۱۴۷).

نخستین گام برای شناخت ادبیات فارسی را پروفسور آ. آراکی^۲ داشت. او در آمریکا از شاگردان ایران‌شناس بزرگ ویلیام جکسون بود و از همین طریق با ادبیات ایران آشنا شد. آراکی در سال ۱۹۲۰ م. رباعیات خیام را به زبان ژاپنی ترجمه کرد و در سال ۱۹۲۲ م. کتاب او با عنوان تاریخ ادبیات ایران منتشر شد. این کتاب مختصر که تاریخ ادبیات فارسی را از رودکی تا جامی در برمی‌گرفت، نخستین اثری بود که ادبیات فارسی را در ژاپن معرفی می‌کرد (کورویانگی، ۱۳۷۰: ۲۲ و ۲۱).

پس از آن، یکی از استادان زبان و ادب اردو، پروفسور ریچی گامو^۳ با فرا گرفتن زبان فارسی تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرد. او چند ماه در ایران به سر برد^۴ (پارسی نژاد: ۸۳۱) و با برخی از پژوهشگران ادب ایرانی، از جمله عیسی صدیق و رضازاده شفق دوستی عمیق داشت. پروفسور کورو یانگی، وی را بنیانگذار واقعی تحقیقات در باره زبان فارسی در ژاپن دانسته است. او تا هنگام

1. Sasaki
2. A. Araki
3. R. Gamo

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۰۸/۷-۴۸-۱۳۵۶/۱۳۵۷ ش.

مرگ در سال ۱۹۷۷م. آثار بسیاری تألیف کرد، از جمله کتاب تاریخ و فرهنگ ایران، که نخستین اثر او بود و در سال ۱۹۴۱م. منتشر شد.

در دهه ۵۰ میلادی ایران‌شناسی در محافل دانشگاهی ژاپن جایگاه خاصی یافته بود و بنا به گزارش سفارت ایران، آشی کاگا، گامو و نیامو اگامی^۱ سه سردار نسل اول ایران‌شناسی در ژاپن بودند.^۲ کوریانگی که به گفته خودش، بخش قابل توجهی از هستی و حیات خود را وقف زبان و ادبیات فارسی کرد، از شاگردان گامو بود (یانگی: ۲۳). او زبان فارسی را نخست نزد گامو فرا گرفت و تحصیلات خود را در سال ۱۹۵۹م. در دانشگاه تهران زیر نظر استاد دکتر محمد معین و دکتر پرویز ناتل خانلری ادامه داد. وی در زمینه مثنوی، رباعیات خیام، غزلیات حافظ، قابوسنامه و هفت پیکرنظامی آثاری به زبان ژاپنی تألیف کرد.^۳ از دیگر آثار اوست: رستم و سهراب، اساطیر ایرانی، شاعران ایرانی، تاریخ ادبیات فارسی، فرهنگ ژاپنی به فارسی و فرهنگ فارسی به ژاپنی. از جمله آثار مهم کوریانگی، کتاب فرهنگ فارسی به ژاپنی است که با یاری انجمن ایران و ژاپن منتشر شد.^۴

آشی کاگا آتسواوجی زرتشت‌شناس سرشناس با آنکه در ۱۹۷۷م. بیش از هشتاد سال داشت، همچنان در دانشگاه توکیو فعالیت می‌کرد. آگامی با شور و اشتیاق در حوزه باستان‌شناسی فعال بود و با مصاحبه از طریق رادیو و تلویزیون به معرفی ایران و خاورمیانه می‌پرداخت.^۵

1. NamioEgami

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۰۸/۷-۴۸-۱۳۵۶/۱۳۵۷ش.

۳. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۵-۴۵/۵-۲۰-۱۳۵۱/۱۳۵۲ش.

۴. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۳۵-۴۰/۲۰-۱۹-۱۳۵۲-۱۳۵۱ش.

۵. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۰۸/۷-۴۸-۱۳۵۶-۱۳۵۷ش.

در سال ۱۳۳۹ش. یک کلاس مطالعات ایرانی در دانشگاه اوزاکا تشکیل شد.^۱ در سال ۱۳۴۰ش. هیأتی ۵ نفره برای مطالعه در امور فرهنگی کشورهای خاورمیانه به غرب آسیا آمدند. آنها بنا بر برنامه در ۴ ژوئیه وارد ایران شدند و ۹ روز اقامت داشتند. اعضای این هیأت عبارت بودند از: کائی چی میاجی^۲ عضو وزارت فرهنگ، هیدتو ایتو^۳ عضو شورای مشکلات دانشجویان خارجی، تسوسوشی ایویاما^۴ کارشناس دفتر تحقیقات وزارت فرهنگ، هی‌ها چیرو میاما^۵ مشاور علمی دفتر تحصیلات عالی و علمی وزارت فرهنگ، سابورو ستا^۶ عضو وزارت فرهنگ. با پیش آمدن بحران نفت در سال ۱۹۶۷م. دوره جدیدی از مطالعات شرق‌شناسی در ژاپن آغاز شد که بیشتر بر خاورمیانه و موضوع ایران تمرکز یافت؛ شوک نفتی، خاورمیانه و از جمله ایران به عنوان بزرگترین تولیدکنندگان نفت مورد توجه کشور صنعتی ژاپن قرار گرفتند و انجمن مطالعات خاورمیانه نقش مهمی در این موضوع داشت.^۸ با حمایت دولت، شرق‌شناسی بیشتر به صورت گروهی آغاز شد و اسلام‌شناسی و به صورت خاص، ایران‌شناسی مورد توجه قرار گرفت (Nakanishi, 1987:131؛ متی و کدی: ۱۸۰). مؤسسه اقتصادی خاورمیانه، از این گونه مطالعات حمایت می‌کرد و این موضوع نشان می‌دهد که مروادات فرهنگی، رنگ اقتصادی گرفته بود. در سال

۱. همان، مکتبۀ سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۳۰-۷/۱۶-۹۵-۱۳۴۰ش.

2. kanichiMyaji

3. Hideto Ito

4. Tsuyoshi Iwayama

5. HeihechiroMiyayama

6. SaburoSetta

۷. همان، مکتبۀ سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۶۳-۷/۱۶-۹۵-۱۳۴۰ش.

۸. همان، مکتبۀ سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۷/۱۰۸-۴۸-۱۳۵۷-۱۳۵۶-۱۳۵۶ش.

۱۹۷۸م. سفر تاکئو فوکودا^۱ به خاورمیانه از جمله ایران، توجه ژاپن به این منطقه را از لحاظ فرهنگی بیشتر کرد. سیاستمداران بر این نظر بودند که همسو با روابط سیاسی و اقتصادی، باید به تبادلات فرهنگی نیز توجه کرد. چندی پس از سفر نخست‌وزیر ژاپن، دولت چند هیأت فرهنگی دیگر به ایران و منطقه فرستاد (Nakanishi, 1987:133؛ متی و کدی: ۱۸۳). خانم امیکو اکادا مدرس زبان فارسی در دانشگاه‌های توکایی و کیو، در دانشگاه تهران تحصیل کرده بود و رساله او به مقایسه میان حماسه‌های ملت ژاپن و ایران اختصاص داشت. او "بدون تردید از دوستداران صمیمی ایران و مبشران راستین زبان و ادب فارسی بود" (افشار، ۱۳۵۱: ۱۵۷).

تدریس زبان فارسی نقش مهمی در ایران‌شناسی داشت. در سال ۱۹۶۱م. کرسی زبان فارسی در بخش زبان‌های خارجی دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا ایجاد شد. بنا بر گزارش‌های موجود، خانم ملوک کاظم پور فعالیت در این برنامه را به صورت غیررسمی، در سال ۱۹۵۸م. آغاز کرد.^۲ جواد صدر سفیرکبیر ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ش. به آن دانشگاه رفت و از نزدیک با نحوه فعالیت استادان و تدریس زبان فارسی آشنا شد. آن زمان ۲۵ نفر در کلاس حضور داشتند، در حالی که متقاضی آموزش زبان فارسی ۲۵۰ نفر بودند.^۳

در دهه ۴۰ شمسی / ۶۰ میلادی نسل جدیدی از ایران‌شناسان، با تکیه بر بخش کشاورزی و روستاییان وارد عرصه شدند. پروفیسور موریو اونو^۴ استاد جغرافی جغرافی دانشگاه توکیو در زمره ایران‌شناسان نسل دوم است و در زمینه اصلاحات

1. Takeo Fukuda

۲. همان، گزارش سفارت ایران در توکیو به وزارت امور خارجه، ۹۰-۹۱/۱۳-۴۰/۳۳-۵۵-۱۳۵۲ش.

۳. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۳۰-۳۱/۱۶-۷/۹۵-۱۳۴۰ش.

4. Morio Ono

ارضی و تأثیر آن بر شرایط اجتماعی روستاییان تحقیقاتی انجام داد.^۱ همزمان، پروفسور اوکازاکی^۲ نیز در اثری با عنوان کشاورزی ایران، آب و قنات به تحلیل ساختار روستاهای استان‌های حاشیة دریای خزر پرداخت. در دهه ۷۰ میلادی پروفسور هارا^۳ مطالعات خود را در باره روستای فورک در شرق ایران ارائه داد.

باستان‌شناسی

محققان ژاپنی از دهه ۴۰ میلادی به تحقیقات در باستان‌شناسی ایران علاقه‌مند شدند. پروفسور کیو ای تو و پروفسور آشیکاگا در باره دین زردشتی و کتاب اوستا آثاری منتشر کردند (Nakanishi: 134؛ متی و کدی: ۱۸۵). آشی کاگا بنیانگذار و پیشرو پژوهش در باب زبان و تاریخ ایران باستان در ژاپن، شاگرد هانری ماسه ایران‌شناس فرانسوی بود و از این طریق با زبان و فرهنگ ایرانی آشنا شد.

در سال ۱۳۳۵ش. سفارت ایران در ژاپن اطلاع داد که هیأتی از استادان باستان‌شناسی دانشگاه توکیو برای دیدار از آثار تاریخی در اوسط شهریور/ اوائل سپتامبر به ایران مسافرت خواهند کرد. اداره کل باستان‌شناسی وزارت فرهنگ بازدید و تحقیق "هیأت باستان‌شناسی و فرهنگی ژاپن" را از تپه‌ها و نقاط تاریخی بلامانع دانست.^۴ این هیأت را انجمن فرهنگ خاوری دانشگاه توکیو، با هزینه وزارت فرهنگ ژاپن و مؤسسه آساهی به ایران اعزام کرده بود. شهرهای تبریز، تهران، آبادان، قزوین، کاشان، چالوس، رشت، اهواز، قم، ملایر، کرمانشاه،

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۰۸/۷-۴۸-۱۳۵۷-۱۳۵۶ش.

2. Okazaki

3. Hara

۴. همان، مکاتبه وزارت فرهنگ با سفارت ایران در توکیو، ۲۰-۹۴-۲۰-۱۳۳۵ش.

یزد، شیراز، همدان و اصفهان به عنوان مقاصد سفر اعلام شدند.^۱ در بهمن ۱۳۳۹/ فوریه ۱۹۶۰ هیأت دیگری به ریاست پروفیسور آگامی برای تکمیل و انجام تحقیقات جدید به بویه، دیلمان و مورویو در گیلان مسافرت کردند (ریاست جمهوری، ۱۳۸۰: ۷۴-۱۷۲). ژاپنی‌ها در اندیشه یافتن نشانه‌هایی از ارتباط میان ایران و خاور زمین به ویژه ژاپن بودند. حدود یکصد هزار نفر و از جمله امپراتور و شاهزاده نی کازا، از نمایندگانه دستاورهای آنها در دانشگاه توکیو دیدن کردند.

در سال ۱۳۴۴ ش. / ۱۹۶۵ م. هیأت دیگری، نتیجه اکتشاف در منطقه طاق بستان را در دو مجلد کتاب مصور منتشر کرد (امیری: ۱۴۷). در سال ۱۳۵۰ ش. / ۱۹۷۱ م. گروه باستان‌شناسی دانشگاه هیروشیما برای کاوش در طهماسب تپه نزدیک قزوین، به ایران آمد. آنها در پی کشف ارتباط میان شیوه زراعی شرق آسیا با غرب آسیا بودند. چندی بعد، هیأتی از دانشگاه توکیو به ریاست پروفیسور ماسودا برای انجام تحقیقات و حفاری در تپه چخماغ شاهرود و مرودشت با همکاری اداره کل باستان‌شناسی وارد ایران شدند (سال ۱۳۵۰، ص ۱۸۴-۱۸۵). در سال ۱۹۷۵ م. هیأت دیگری در باره نقوش برجسته طاق بستان تحقیق کردند. در ۱۹۷۶-۱۹۷۸ م. هیأتی شامل ۱۰ باستان‌شناس به ریاست پروفیسور شین جی فوکایی^۲ از مؤسسه فرهنگ شرق وابسته به دانشگاه توکیو، برای مطالعه بر ویرانه‌های "شاه پیر" در حلیمه جان و "رمة زمین" در دره شهران گیلان به این مناطق آمدند و در کنار تحقیقات تکمیلی در باره طاق بستان، از روابط هنر ایرانی، رومی و تانگ نیز تحلیلی ارائه کردند. محققان ژاپنی علاقه داشتند در باره

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۴۵-۹۴-۲۰-۱۳۳۵ ش.

2. Shinji Fukai

سفال‌های ایرانی، که به نوعی به هنرهای و سفال‌های چینی مرتبط بود، پژوهش کنندگان (امیری: ۱۴۸). آنچه ژاپنی‌ها را به تاریخ ایران باستان کشاند، تحقیقات در باره بودا و جست و جوی ارتباط میان فرهنگ ایران باستان به ویژه در دوره اشکانی و ساسانی با شرق دور و ژاپن بود.^۲

نتیجه

مراودات فرهنگی ایران و ژاپن، گرچه با تأخیر بیشتری نسبت به روابط سیاسی و تجاری آغاز شد، اما از آنجا که ژاپنی‌ها برای اهداف تجاری خود به فرهنگ کشورها نیز توجه نشان می‌دادند، به سرعت توانست هم‌سطح دیگر مناسبات توسعه یابد. از سوی دیگر، ایران نیز در دوره پهلوی دوم به ایران‌شناسی در جهان توجه داشت و با پشتیبانی و تأیید مقامات ارشد کشور، توجه به گسترش فرهنگ و شناسایی تمدن ایرانی به یکی از سیاست‌های راهبردی در روابط خارجی ایران تبدیل شد. سابقه باستانی ایران برای دانشگاهیان و محققان ژاپنی جذابیت داشت و آنها در پی نشانه‌هایی از تأثیر و تأثر تمدن ایران بر شرق آسیا بودند. منابع غنی نفت و گاز رابطه دو کشور را از نظر اقتصادی سخت‌گیرتر داد و مقام‌های سیاسی و اقتصادی ژاپن در دهه ۷۰ میلادی بر توسعه مناسبات فرهنگی به عنوان ابزار تحکیم مناسبات تأکید می‌کردند.

۱. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۱۵-۱۱/۱۰۸-۴۹-۵۷-۱۳۵۶ ش.

۲. همان، مکاتبه سفارت ایران در توکیو با وزارت امور خارجه، ۲۰-۱۱/۱۰۸-۴۹-۵۷-۱۳۵۶ ش.

منابع و مأخذ

اسناد:

آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۰۰

مطبوعات:

روزنامه ایران ۳ خرداد ۱۳۰۴

روزنامه اطلاعات ۱ مرداد ۱۳۳۵

کتاب:

- افشار، ایرج، خرداد ۱۳۵۱، "قلم اندازهای سفر ژاپن، ژاپن‌شناسی و ایران‌شناسی"، یغما، ش ۲۸۵، امیری، کیومرث، ۱۳۷۹، *زبان و ادب فارسی در جهان "ژاپن"*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ایموتو، ئه ایچی، ۱۳۸۸، *آسوکا و پارس*، ترجمه: قدرت اله ذاکری، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ایموتونه، ایچی و هاشم رجب زاده، ۱۳۷۴، "زنده یاد استاد آشی کاگا"، کلک، ش ۶۵.
- رجب زاده، هاشم، بهار ۱۳۸۱، "شاهدخت ساسانی در ژاپن"، ایران‌شناسی، ش ۵۳.
- رزمجو، حسین، اردیبهشت ۱۳۷۱، "پیشینه ایران‌شناسی و زبان فارسی در ژاپن"، کیهان فرهنگی، ش ۸۳.
- روابط خارجی ایران در سال ۱۳۴۹، گزارش‌های سالیانه وزات امور خارجه.
- ریاست جمهوری، ۱۳۸۰، *اسنادی از باستان‌شناسی در ایران، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عابدی، کامیار، ۱۳۹۲، *ژاپونیات ایرانیان*، تهران: جهان کتاب.
- کازاما، اکیو، ۱۳۸۰، *سفرنامه ایران*، ترجمه: هاشم رجب زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- کوریوانگی، تنسوئوگو، ۱۳۷۷، *ادبیات کلاسیک ایران*، هفته فرهنگی ایران در ژاپن، تهران: الهدی.
- "گفتگو با یاسوهیرو توکوهارا وابسته فرهنگی سفارت ژاپن در تهران"، مجله علوم اجتماعی، چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، ش ۱۹، آذر- دی ۱۳۸۴.
- گلاک، جی، بهار ۱۳۶۹، "هنر ایرانی"، ایران نامه، ش ۳۰.
- متی، رودی و نیکی کدی، ۱۳۷۱، *ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*، ترجمه: مرتضی اسعدی، تهران: الهدی.

مرکوس، کینگا، تابستان ۱۳۸۹، "افسانه‌های مشترک ایران و ژاپن"، ترجمه: حمیدرضا مدد، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۱، شماره ۴۳.

مشکور، محمد جواد، ۱۳۵۴، "تاریخ روابط فرهنگی ایران پیش از اسلام"، گوهر، ش ۳۰.

نیر نوری، حمید، تیر ۱۳۴۸، "روابط ایران با چین و ژاپن در ادوار گذشته"، وحید، ش ۶۷.

-Hisae Nakanishi, Iranian Study in Japan, Iranian Studies, volume,XX,Numbers 2-4, 1987

